

صادق بهزاد*

جایگاه و اهمیت درس دینی و عوامل تغییر آن در سال اول دوره متوسطه

سال پانزدهم، شماره ۵۱



اشاره

کتاب دینی و قرآن اول متوسطه، نخستین سال تجربه رسمی و کشوری خود را پشت سر گذاشت. بدون هیچ‌گونه توضیحی شما را به مطالعه مقاله حاضر که ناظر بر تدوین کتاب جدید و ضرورت‌ها و مبانی این عمل است، دعوت می‌کنیم.

در بیان این موضوع به پنج نکته مهم به شرح زیر اشاره خواهیم کرد:

۱. در ضرورت دین

راستی چرا دین؟ آیا دین جایگزینی ندارد و اگر دارد، چه چیزی است که می‌تواند جای دین را بگیرد؟ اصلاً ضرورت و اهمیت آن چیست و اگر دین امری ضروری است، فواید آن کدامند و اگر ضرورتی ندارد، پس چرا این همه بحث از دین و معرفت‌شناسی دینی می‌شود؟

علاوه بر این سؤال‌ها، سؤال دیگری نیز مطرح است: آیا انسان عصر مدرن، نیازی به دین پژوهشی دارد یا نه؟ آیا علوم و فناوری امروزه، می‌توانند عامل افول مقوله دینی شوند و جای آن را بگیرند؟ آیا انسان‌ها به سبب علم و پیشرفت خیره‌کننده دانش و بلوغ عقلانی، دیگر نیازی به تعالیم وحیانی ندارند و آنچه را که مدینه فاضله و سعادتگاه ابدی و بهشت موعود نامیده می‌شود، یافته‌اند و آیا بشر امروزین که انسان متجدد، مدرن و پسامدرن، عقل‌گرا، علم‌مدار، تجربه‌گرا و... نامیده می‌شود،

توانسته است تمامی موانع بحران‌ساز را از بین ببرد و هیچ نوع بحرانی متوجه او نیست؟

شدیدترین و بدترین بحرانی که امروزه دامنگیر انسان متمدن شده است، مسأله بی‌هویتی، بی‌معنا شدن حیات، احساس پوچی و دلهره است. اما دانش بشر قادر به تبیین مسأله مهم فلسفه حیات نیست، زیرا وقتی آدمی نتواند از طریق استدلال‌های عقلی و استنباط‌های علمی، پدیده‌های غیرعادی مثل مرگ را تبیین عقلانی کند، دچار بدترین نوع بحران می‌شود. وقتی فلسفه حیات تفسیر نظری نشده باشد، بشر در عین پیشرفت علمی، به بحران روحی-روانی و اجتماعی حادی دچار خواهد شد. حال با توجه به مسائل بالا، ضروریات دینداری و مهم‌ترین فواید آن را بیان می‌کنیم:

الف) نیازهای فطری و روحی انسان، از مهم‌ترین دلایل نیاز انسان به دین و مبین ضرورت دینداری و دین‌ورزی هستند. چون احساسات مذهبی و دینی، مؤثرترین عامل درمان بحران‌های روحی و بیماری‌های ناشی از یأس و نومیدی و

پوچی و بی‌هویتی و... به حساب می‌آیند. ب) هر جامعه متمدنی، بدون شک از مؤلفه‌هایی همانند: علم، سیاست عادلانه، اخلاق و قوانینی جامع و کاملی تشکیل یافته است که همچون پایه‌های اساسی یک ساختمان محکم و قوی جامعه را حفظ می‌کنند. اما از آن‌جا که انسان‌ها جزئی از کل هستی محسوب می‌شوند و احاطه همه‌جانبه بر هستی و داشتن قوانین کامل، آن‌هم برای عقل محدود‌گرای آدمی، محال می‌نماید، این مؤلفه‌ها از طریق دین وحیانی در اختیار بشر قرار گرفته‌اند که خود این امر نیز ضرورت و اهمیت خاص وحی آسمانی برای زمینیان را نشان می‌دهد.

ج) دین عامل اصلی حرکت‌زایی و جنبش‌آفرینی است. دین امیدبخش و نجات‌دهنده انسان از بی‌هویتی و بی‌هدفی است. از طرف دیگر نیاز آدمی به داشتن عالی‌ترین کمالات و فضایل اخلاقی برای اصلاح روابط فردی و اجتماعی خود و داشتن حیات سالم، گویای این حقیقت راستین است که تأمین سعادت پایدار، مرهون داشتن دین و دینداری است. در

۲. در اهمیت و جایگاه درس دینی در بین سایر درس‌ها

الف) در بین درس‌هایی که برای فراگیران ارائه می‌شوند، درس دینی از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا درس دینی نسبت به سایر درس‌ها، کل‌نگراست. این درس بر مبنای تبیین فلسفه حیات و چگونه زیستن تدوین شده است، اما سایر درس‌ها، هر کدام موضوع خاصی را تعقیب می‌کنند.

ب) درس دینی علاوه بر این که حقایق و واقعیت‌های هستی را توصیف می‌کند، یعنی از نوعی جهان‌شناختی برخوردار است، در صدد تبیین پایه‌ها و بنیادها نیز هست. در حالی که درس‌هایی مثل ریاضیات، فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی، زمین‌شناسی که با جزئیات هستی سروکار دارند، به توصیف واقعیت‌های هستی می‌پردازند و موضوع هر کدام از آن‌ها، در عین دقیق بودن، محدود و جزئی است. علوم به جز فلسفه و دین، در صدد این نیستند که شخصیت فراگیران را تغییر دهند، اما هدف اصلی درس دینی، تغییر در رفتار و منش و شخصیت‌سازی است.

ج) درس دینی علاوه بر این که جنبه شناختی و معرفتی دارد که همان روشنی عقل و فکر و ذهن است، موجب روشنی ایمان و درون فراگیران نیز می‌شود. اما سایر علوم سروکارشان تنها با جنبه شناختی است و در حوزه عمل و ایمان

سایه دین است که انسان‌ها می‌توانند از لذت‌های معنوی خاصی برخوردار شوند. جامعه‌شناختی برای دین بیان شده‌اند، این تعریف به چشم می‌خورد: دین به عنوان یک نهاد اجتماعی شامل مجموعه‌ای گسترده از اعتقادات و آئین‌هاست (اما معلوم است که منظور ما از دین در این مقال، تنها از نگاه جامعه‌شناختی نیست).

درحقیقت، مقصود از دین در مباحث دین‌شناسی و ادیان الهی عبارت است از: مجموعه هدایت‌های الهی که به واسطه پیامبران و از طریق وحی به مردم رسیده است.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان خود، از دین چنین تعریفی ارائه داده است: دین، روش ویژه‌ای در زندگی دنیوی است که سعادت و صلاح کمال اخروی و حیات حقیقی جاودانی او تأمین می‌کند. از این رو لازم است، شریعت دربرگیرنده قوانینی باشد که به نیازهای دنیوی انسان نیز پاسخ گویند.^۳

علامه طباطبایی همچنین در جای دیگری از تفسیر المیزان، دین را چنین تعریف کرده است: دین عبارت است از اصول علمی و سنن و قوانین عملی که برگزیدن و عمل به آن‌ها تضمین‌کننده سعادت حقیقی انسان است. از این رو لازم است، دین با فطرت انسانی هماهنگ باشد تا تشریح با تکوین مطابقت داشته باشد و به آنچه آفرینش انسان اقتضای آن را دارد، پاسخ گوید.^۴

۲. در تعریف دین

واژه دین در فرهنگ لغات و همچنین در کاربردهای قرآنی به مفهوم حکم و قضا، رسم و عادت، قانون، جزا، حساب، شریعت، طاعت و بندگی، تسلیم و انقیاد، ملت، اسلام، روش و رویه، توحید و خداپرستی آمده است.^۱

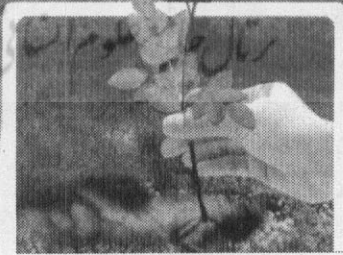
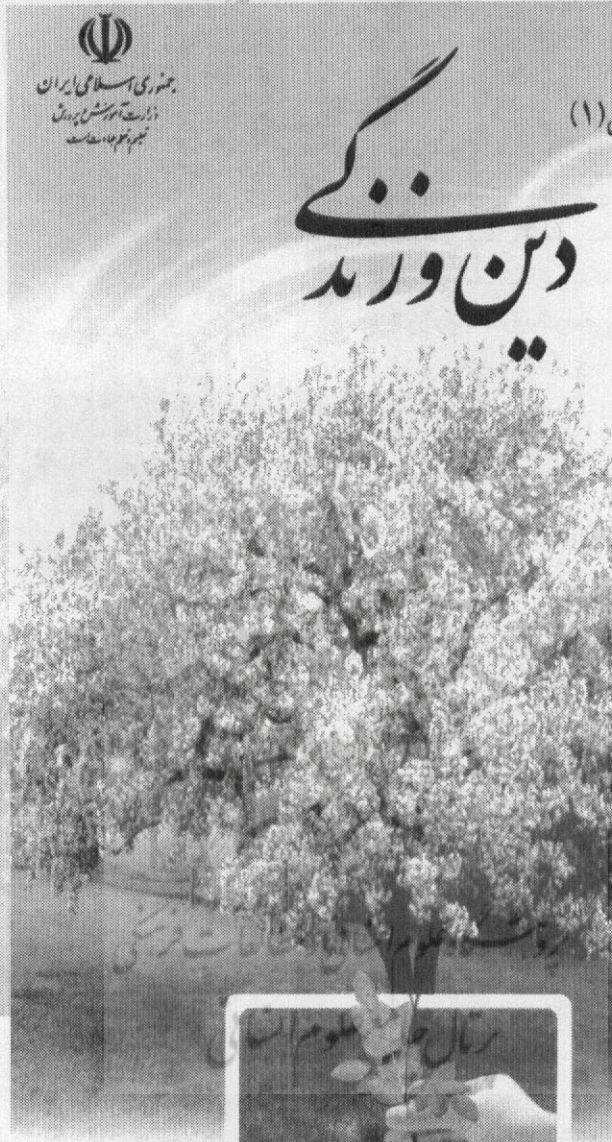
مسلم است که برای اصطلاح دین، تعریف‌های متفاوتی ارائه شده‌اند، به طوری که بعضی از آن‌ها با همدیگر تعارض دارند.

تی‌پل در تعریف دین می‌نویسد: دین در حقیقت، وضعیتی روحی یا حالتی ناب و حرمت‌آمیز است که آن را «خشیت» می‌خوانیم. جیمز مارتینو دین را چنین تعریف کرده است: دین اعتقاد به خدایی همیشه زنده است، یعنی اعتقاد به اراده و ذهنی الهی که حاکم بر جهان است و با نوع بشر مناسبات اخلاقی دارد.

برادلی می‌گوید: دین بیش از هر چیز کوششی است برای آن که حقیقت کامل خیر را در تمام وجوه هستی باز نماییم. علاوه بر تعریف‌های بالا، در کتاب عقل و اعتقاد دینی، تعریف دیگری برای دین ارائه شده است. دین مجموعه‌ای از اعتقادات، اعمال و احساسات فردی و جمعی است که حول مفهوم حقیقت غایی سامان یافته است.^۲

در تعریف‌هایی که از منظر

دین ورده



سال اول دبیرستان

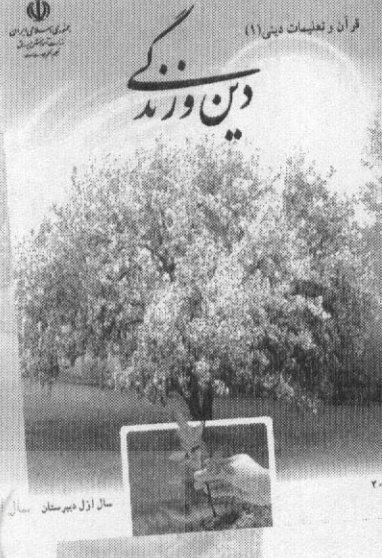
کاربرد نداشتند. همین امر مسؤولیت متولیان دینی را دشوارتر می کند؛ به ویژه الگوی عملی بودن، برای بهتر تدریس کردن این درس خیلی مفید و مؤثر می افتد.

۴. در بیان عوامل مهم تغییر کتاب بینش اسلامی و قرآن سال اول دبیرستان

الف) اولین و مهم ترین علت تغییر کتاب دینی و قرآن این بود که در آن مباحث دینی به شیوه سنتی و قدیمی طرح شده بودند. ناگزیر با تغییر روند آموزشی و تغییر شیوه های تدریس و رویکردهای نوین آموزشی، این کتاب نیز باید تغییر می یافت. شیوه آموزش سنتی در آن کتاب، به شیوه سخنرانی و موعظه بود. در این شیوه تدریس، دبیران ناگزیر بودند در تمامی جلسات از یک سبک و شیوه استفاده کنند که هم خسته کننده بود و هم فرصت هر نوع اظهارنظر را از فراگیران سلب می کرد؛ به طوری که فراگیران کم تر در فرایند آموزش شرکت داشتند. علاوه بر آن جلوی بروز و ظهور استعدادها بالقوه دانش آموزان نیز گرفته شده بود. کتاب بینش اسلامی قبلی، سبب شده بود که دبیران این درس غالباً به سخنرانی بپردازند و عملاً تدریس صورت نمی گرفت. در حالی که کلاس درس، تنها جای سخنرانی و موعظه نیست، جای تدریس است. یعنی محل ایجاد زمینه برای شناخت و معرفت در فراگیران، و تقویت ایمان قلبی و عملی در آنان؛ چون سبک کلاس غیر

از سبک سخنرانی و موعظه و خطابه است. کتاب بینش اسلامی قبلی، هرچند براساس فرایند تحول منطقی ذهن، تدوین و تألیف شده بود، و در فرایند آموزش، میان مباحث کتاب ارتباط منطقی و معرفتی وجود داشت و به حیطة شناختی بیش تر اهمیت می داد، اما تدوین کتاب و تنظیم برنامه های آن طوری بود که فراگیران را فعال نمی کرد و آنان از درک و دریافت مطلب و به کارگیری آن بازمانده بودند و تنها به جنبه یادگیری و حفظ عین عبارات توجه می شد. بیش تر فراگیران نقش انفعالی

دین و زندگی



سال اول دیبرستان

می شد.

گرچه کتاب جدیدالتألیف، زیر عنوان دین و زندگی براساس تعلیم قرآن و سنت، دارای نواقصی نیز هست، اما محاسنی دارد که کتاب قبلی نداشت و ما در قسمت قبل به پاره‌ای از آن‌ها اشاره کردیم. تلفیقی ارائه شدن مباحث دینی و قرآن، گاهی هم مخالفت بعضی از دبیران را برمی‌انگیزد که چرا دو درس تلفیق شده‌اند. از پاره‌ای اظهارنظرهای ناصواب، چنین استنباط می‌شود که بعضی از دبیران یا توانایی تدریس درس قرآنی را ندارند و یا برعکس راضی به تدریس این دو قسمت به صورت واحد نیستند. گرچه در بادی امر چنین می‌نماید که تلفیق دو کتاب بینش اسلامی و قرآن در قالب یک کتاب، موجب کم‌رنگ‌تر شدن درس قرآن و یا بی‌توجهی به قرآن می‌شود و یا از تعداد ساعات بعضی از دبیران که تنها درس قرآن تدریس می‌کردند، می‌کاهد، اما در اصل چنین نیست. چون هر دوی این درس‌ها یک هدف کلی داشتند و آن ایجاد باور دینی و ایمان قلبی و عملی در فراگیران بود. کتاب دین و زندگی نیز به صورت تلفیقی، با نگارش جدید و روش تدریس فعال و گروهی، همین هدف کلی را در سه مرحله دنبال می‌کند.

بعضی از دبیران نیز اظهار می‌کنند که کتاب دین و زندگی، کتاب نقاشی و هنری و یا کتابی عرفانی است؛ چون بسیاری از مطالب آن به مراحل سیر و سلوک عرفا شبیه است و مفاهیم بعضی از درس‌ها، همانند درس «تورا چگونه بخوانم»، فزادنی و

بگیرند و از خود خلاقیت نشان دهند. در روش تدریس فعال است که خستگی معنا ندارد، بلکه شور و نشاط زایدالوصفی در امر یاددهی-یادگیری به وجود می‌آید و صمیمیت و انس و الفت میان معلم و متعلم ایجاد می‌شود. در روش فعال است که دیگر باوری، جای خود را به

خودبیاوری، و بی‌حوصلگی و تنبلی، جای خود را به ابتکار و تحقیق می‌دهند. مباحث کتاب عموماً و بخش‌های تفکر و اندیشه خصوصاً، بیانگر این امر هستند.

ب) عامل دومی که سبب تغییر کتاب بینش اسلامی و قرآن شد این بود که جدایی بین مباحث دینی و آیات قرآنی این طرز تلقی را ایجاد کرده بود که دین غیر از قرآن است و هر کدام مبحث مستقلی دارند. دوگانه‌انگاری آیات و بحث‌های دینی، البته نگرشی صحیح نبود، حصار بود که حتماً باید برداشته می‌شد. چه بسا این دو کتاب، توسط دو دبیر تدریس می‌شد؛ آن هم برای یک کلاس؛ در حالی که هدف هر دوی آن‌ها یکی بود. از آن‌جا که قرآن و دینی یک هدف را دنبال می‌کنند، پس باید به شیوه تلفیقی تدریس شوند.

گاهی هم بین بحث‌های کتاب دینی و قرآن، مباحث تکراری وجود داشت و این امر چه بسا بی‌اعتمادی و بی‌توجهی فراگیران را به متون دینی سبب

داشتند تا نقش فعال.

شاید به یقین می‌توان مدعی شد که دبیران، در تدریس کتاب، به کار کارگاهی و تدریس به شیوه فعال اصلاً توجهی نداشتند و همین امر باعث شده بود که نوع رفتار و نحوه نگرش فراگیران به ندرت تحول پیدا کند. در تدریس آن کتاب معلم مجبور بود فعالیت کلیدی و اصلی را در کلاس، خود بر عهده بگیرد.

اما کتاب جدید که عنوان آن دین و زندگی است، بر مبنای فرایند تلفیقی تألیف و تدوین شده است و امکان هر نوع تغییر در نگرش و رفتار را به متعلمان می‌دهد. بین درس‌ها، ترتیب برنامه‌ای رعایت شده است، به طوری که از مرحله شناخت شروع می‌شود و به مرحله ایمان و سپس به مرحله عمل می‌رسد. نقش معلم غالباً، نقش هدایتگری است و تدریس این کتاب باید به شیوه فعال و به صورت کار گروهی (کار کارگاهی) صورت بگیرد. این امر موجب می‌شود که دانش‌آموزان قدرت اظهار نظر پیدا کنند، در جریان تدریس قرار

غیرقابل فهم هستند. البته مسلم است که بحث از وجود خدا، معاد و... امری ملموس و محسوس نیست، حتی کلمات و قالب الفاظ و طرز صحبت با خدا نمی‌تواند محسوس باشد و باید در قالب‌های انتزاعی بیان شود. مباحث هنری در این کتاب، عامل مهم ایجاد رغبت و انگیزه در دانش‌آموزان هستند. در حالی که در کتاب‌های قبلی هیچ توجهی به این امر مهم نشده بود.

۵. چند توصیه مهم

البته در مطالب گفته شده قبل، ضمن بحث‌ها به پاره‌ای از این توصیه‌ها اشاره کردیم و حالا به چند توصیه مهم دیگر می‌پردازیم:

الف) تدریس کتاب جدیدالتألیف، به مدیریت قوی در تدریس نیاز دارد. یعنی هرچه قدر یک دبیر از مدیریت کافی و وافی برخوردار باشد، موفقیت او به مراتب بیش‌تر و لذت‌آفرین‌تر خواهد بود.

ب) برای نوشتن بهتر آیات، لازم است از نوارهایی که برای همین منظور تهیه شده‌اند، استفاده شود.

ج) تهیه طرح درس روزانه که در آن هدف‌های کلی و هدف‌های جزئی درس تفکیک و مشخص شده باشند، برای دبیران الزامی است.

د) به لحاظ تغییر محتوای کتاب و فرایند آموزشی آن، لازم است که ما نیز شیوه تدریس خود را تغییر دهیم. یعنی متناسب با شیوه کتاب باید روشی اتخاذ

کنیم تا هدف آموزشی آن تأمین شود وگرنه شاید اهمیت آن کم‌رنگ‌تر و بی‌ارزش‌تر شود.

ه) از جمله تذکرات آموزشی لازم یکی هم این است: هنگامی که دانش‌آموز مشغول قرائت آیات درسی است، او را مورد تشویق قرار دهیم و نباید با عبارتهایی مثل: «غلط خواندی»، «اشتباهی بود» و... با دانش‌آموز برخورد کنیم و به این وسیله در او دلهره و ترس به وجود آوریم. بهتر است هنگام خواندن، آحسن بگوییم و پس از اتمام قرائت، عبارتهایی را که غلط و یا اشتباه خوانده است، تصحیح کنیم.

و) هنگام اصلاح کلمات و قرائت‌های اشتباهی، به جای گفتن اشکال برای یک نفر، جمع را مخاطب قرار دهیم نه یک نفر موردنظر را. این امر باعث می‌شود فراگیرانی که در جریان قرائت نبوده‌اند، متوجه قرائت صحیح کلمات بشوند و فردی نیز که غلط و اشتباه می‌خواند، دچار تزلزل روحی و عاطفی نشود، بلکه در فضای باز عاطفی عبارتهایی را که نمی‌تواند به صورت صحیح بخواند، خوب یاد گیرد.

ز) در گوش دادن به نوار، معلوم است که قرائت دفعه اول برای خوب گوش دادن و خوب یاد گرفتن است و بار دوم برای همخوانی است. سعی کنیم همزمان با دفعه دوم، صحیح قرائت کردن را یاد دهیم و پس از آن قرائت انفرادی شروع شود. در این مرحله نیز اگر دانش‌آموزی نتوانست خوب قرائت کردن را یاد بگیرد، ضمن

تشویق قرائت او، کار او را به جلسات بعدی واگذار کنیم تا خوب یاد بگیرد.

از آن‌جا که تمرین با نوار از بهترین روش‌های یادگیری است، سعی شود که این کار به دو صورت استماع و همخوانی صورت گیرد. به این معنا که در درجه اول، فراگیران باید خوب استماع کنند و در درجه دوم همزمان با قرائت نوار همخوانی کنند و تک خوانی در مرتبه سوم قرار می‌گیرد.

ح) با توجه به ساختار کتاب دین و زندگی، درمی‌یابیم که بهترین روش از روش‌های فنون تدریس، روش فعال و کار گروهی است. اما مشکل عمده در فضای مناسب آموزشی و تعداد فراگیران است. در مواردی که امکان گروه‌بندی و تشکیل میزگرد و... خیلی مشکل به نظر می‌رسد، این کار لازم نیست. بدین معنا که وقتی جابه‌جایی صندلی‌ها و کار گروهی دشوار باشد، در این فضای محدود و کوچک آموزشی، می‌توانیم هر فرد را به عنوان یک گروه تلقی کنیم و یا دو نفر و سه نفری را که در کنار هم نشسته‌اند، گروه محسوب کنیم.

زیرنویس

* از مدرسان دوره کتاب دین و زندگی در استان اردبیل.

۱. علی اکبر دهخدا. لغت‌نامه دهخدا. ج ۲۴.

۲. مایکل پترسون و دیگران. عقل و اعتقاد دینی. صفحات ۱۸ و ۲۰.

۳. سیدمحمدحسین علامه طباطبائی. تفسیر المیزان. جلد ۲. ص ۱۳.

۴. همان منبع. ج ۱۶. ص ۱۹۳.

